

ایران را دریابید

■ احسان مکتبی

ایران امروز و پس از جنگ تحمیلی دوازده روزه دچار شرایط خاص و پر اهمیتی است، از سویی سالها تحریم ظالمانه در کنار منازعات خارجی ساختارهای اقتصادی را سست کرده است و از جانیی نیاز به سرمایه گذاری در ایران برای توسعه زیر ساختهایی که سالها برای آن فکری نشده است کشور را در یک نقیض بزرگ(پارادوکس) قرارداده است علاوه بر اینها عدم پذیرش FATF و کنار گذاشتن ایران از عرصه بانک های جهانی هم کشور را در تنگنای بی مانند دیگری قرار داده است آن چنان که دیدیم شوربختانه نفوذ و اشراف اطلاعاتی بیگانه بر فرماندهان نظامی و دانشمندان ما که منجر به شهادت جمعی از منابع انسانی ارزشمند کشور شد، ناتوانی ساختارهای امنیتی واطلاعاتی در حفظ حدود و ثغور کشور را آشکار کرد، درک این نکته که با رویکردهای کهنه نمی توان پاسخی برای اتفاقات نو فراهم کرد به ما یاد آوری می کند، همانگونه که ایرانیان با همه شجاعت و شهامت در دو جنگ بد یمن با روسیه تزاری نتوانستند با شمشیر از پس توپ های دشمن بر آیند، امروز نیز با ناکارآمدی نمی توانیم از پس مشکلات بر آییم علاوه بر اینها بحران های طبیعی و غیر طبیعی همواره زیست بوم ایران را تهدید کرده اند، فقدان منابع کافی آب، تغییر اقلیم، فرسایش خاک، تخریب محیط زیست، زلزله، سیل و... همواره دولتها را به خود مشغول کرده است، فقدان رشد اقتصادی در دو دهه اخیر و عقب ماندگی ایران از کشورهای همسایه به همراه زوال ارزش پول ملی هشدار دیگری است که باید به آن توجه جدی داشت، به این خاطر همانگونه که گفته شد شرایط امروز ایران به شدت حساس و خطیر است و اگر بزرگواری و نجابت شهروندان ایران زمین و ریشه های تنومند فرهنگی ایرانیان نبود بدون شک امروز و پس از تجاوز اخیر، شرایط دیگری را تجربه می کردیم اما به لطف دادار یگانه و شرافت و اصالت شهروندانمان امروز سر بلندیم، پس اینک که اقوام و نجیب زادگان ایرانی با همه کاستی ها و انتقادات، ایران را فرو نگذاشته اند...

ادامه در صفحه ۲

چگونه به خواب آرامش بخش دست یابیم؟



۲

معرفی کتاب ابریشم
تألیف دکتر محمد علی مازندرانی



۳

افتتاح چهار روستا بازار برای عرضه محصولات کشاورزی



۳



گلستان، ستون امنیت غذایی ایران؛
از تولید سنتی به قطب صنعتی-کشاورزی

« ۸ »



تقویت مهارت های رشد هیجانی
در کودکان

« ۷ »



ادبیات

« ۴-۵ »

خطر فاضلاب و خلیج گرگان



شاهد آن هستیم که عملکرد این تصفیه خانه مطلوب و موثر نیست. مشاهدات عینی حاکی از آن است که پارامترهای آلاینده پساب خروجی از تصفیه خانه بندر ترکمن فراتر از حد مجاز است و پساب خروجی به رنگ صورتی درآمده است.

ادامه در صفحه ۲

به خلیج گرگان است. هرچند پیش از این و در سال های گذشته روند تخلیه پساب خانگی و صنعتی به خلیج گرگان ساری و جاری بود اما حدود نیمی از فاضلاب شهر بندر ترکمن در حاشیه خلیج گرگان مشمول تصفیه می شد و فاضلاب با بار آلایندهی حاد قابل روانه این زیستگاه می شد. اما طی چند هفته اخیر و به دلایل مختلف

آورده آب رودخانه های منتهی به خلیج گرگان و ایتر مانند انتقال آب خزر به خلیج گرگان، کابوس شوم خشک شدن کامل خلیج گرگان را در آستانه تحقق قرار داده است. همزمان با کاهش روزانه مساحت پهنه آبی در این زیستگاه و البته کاهش شدید تراز آب، رخداد تلخ دیگری در حال وقوع بوده و آن هم تشدید آلایندهی فاضلاب منتهی

در حالی فعالیت پسروی و کاهش تراز آب در خلیج گرگان حیات این زیستگاه را به مخاطره انداخته است؛ هدایت روزانه میلیون ها لیتر فاضلاب آلوده به این پهنه آبی، موجب تشدید نگرانی اهالی پیرامونی این اکوسیستم ارزشمند شده است. به گزارش خبرگزاری دانشجو، مرگ خلیج گرگان وارد فاز جدیدی شده است. کاهش ورودی و

ادامه یادداشت اول

ایران را دریابید

و همه پشت سر نیروهای مسلح و فرماندهی کل قوا در دفاع از میهن یک صدا بوده اند، بر مسوولان است که آنها نیز خود را بگذارند و ایران را بردارند و یقین داشته باشند که هیچ خائنی در میان منتقدان نیست و فرصت بی بدیل حفظ ایران را از دست ندهند و راه آن نیز گذر از نگاه ایدئولوژیک در حکمرانی و تلاش بنیادین در جهت نهادینه کردن حضور جمهور در ساختار حکمرانی است. این راهی بدون چون و چراست و باید به آن تن داد. باید بدانیم که فراسوی هر زنده باد و مرده باد باید برای سر بلندی ایران تلاش کرد و این خواسته تاریخی همه شهیدان گرانقدر این آب و خاک و همه دلسوزان این کهن دیار است.

صاحب امتیاز

ادامه تیتراژ اول

مرگ صورتی!

بازدید و تصاویر به دست آمده حاکی از آن است که در محل تخلیه فاضلاب تصفیه‌خانه بندرتُرکمن به خلیج گرگان ده‌ها قطعه پرنده از نوع گلاریول و باکلان تلف شده است. طبق مستندات موجود حدود ۷ هزار خانوار از مشترکین آب و فاضلاب بندرتُرکمن(حدود نیمی از مشترکین بندرتُرکمن) فاضلاب خود را به تصفیه خانه این شهر هدایت می‌کنند تا تصفیه و کم خطر سازی شود. علی‌رغم آنکه مشترکین بر اساس تعرفه‌های قانونی هزینه‌های مترتب برای تصفیه را پرداخت می‌کنند اما نتایج آزمایشگاهی بیانگر آن است که برخی پارامترها مانند کدورت، COD، فسفات و آمونیوم موجود در پساب خروجی بیشتر از حد مجاز است و روزانه ۶ تا ۷ میلیون لیتر فاضلاب آلوده از طریق تصفیه‌خانه بندر ترکمن روانه خلیج گرگان می‌شود. قابل‌تأمل‌تر آنکه حدود ۱۰ شهر کوچک و بزرگ

در استان‌های مازندران و گلستان و ده‌ها روستا در این دو استان با جمعیت بیش از ۳۰۰ هزار نفر پیرامون خلیج گرگان سکونت دارند که بر اساس آمارها فقط بندرتُرکمن در گلستان در حاشیه این اکوسیستم آبی دارای سیستم جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب است. هرچند بر اساس اسناد و مستندات موجود، خروجی این تصفیه‌خانه با استاندارد جهانی پساب ایمن فاصله زیادی دارد و دارای بارآلاینده‌گی بالایی است. ورود انواع آلاینده های جامد یا سیال به خلیج گرگان به ورود فاضلاب شهری خلاصه نمی‌شود بلکه بخشی از فاضلاب واحدهای صنعتی شهرهای پیرامونی هم بصورت خام و یا تصفیه شده و بخش زیادی از پساب زراعی صدها هزار هکتار زمین کشاورزی و سیالات حاوی انواع کودها و سموم هم به خلیج گرگان می‌ریزد. همه این موارد حکایت از وضعیت بغرنج خلیج گرگان دارد... یعنی اگر خلیج گرگان از خشکسالی ناپود نشود؛ یقیناً با آلودگی خواهد مُرد. عضو تشکل‌های زیست محیطی گلستان هم در گفتگو با خبرنگار دانشجو گفت: سالهاست فاضلاب شهر و روستایی پیرامون خلیج گرگان به صورت خام و سرشار از مواد شیمیایی وارد خلیج گرگان می‌شود و هیچ نهادی برای توقف این تهدید بزرگ پیشگام نمی‌شود.

چگونه به خواب آرامش بخش دست یابیم؟

روانی مانند افسردگی، اضطراب و سایر اختلالات روانی را افزایش دهد. این امر ممکن است به دلیل عدم تعادل شیمیایی مغز ناشی از کمبود خواب باشد.

راهکارهای بهبود کیفیت خواب: ایجاد یک روتین خواب منظم:

سعی کنید هر روز در ساعت مشخصی به رختخواب بروید و بیدار شوید. این کار به تنظیم ساعت بیولوژیکی بدن کمک کرده و کیفیت خواب را بهبود می‌بخشد.

محیط خواب آرام:

اتاق خواب باید تاریک، خنک و ساکت باشد. استفاده از پرده‌های ضخیم، گوش‌گیر یا ماشین‌های تولید صداهای سفید می‌تواند به کاهش مزاحمت‌های صوتی و نوری کمک کند.

مدیریت استرس:

تکنیک‌های آرامش‌بخش مانند مدیتیشن، یوگا یا تنفس عمیق می‌توانند به کاهش استرس و اضطراب کمک کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند ذهن را آرام کرده و آماده خواب شوند.

محدود کردن مصرف کافئین:

اجتناب از مصرف کافئین (قهوه، چای، نوشابه) و الکل چند ساعت قبل از خواب می‌تواند به بهبود کیفیت خواب کمک کند. این مواد می‌توانند چرخه خواب را مختل کنند.

فعالیت بدنی منظم:

ورزش منظم در طول روز می‌تواند به بهبود کیفیت خواب کمک کند. با این حال، بهتر است از انجام فعالیت‌های شدید نزدیک به زمان خواب خودداری شود، زیرا ممکن است باعث افزایش انرژی و بیداری شود.

مشاوره روانشناختی:

اگر با مشکلات جدی‌تری مواجه هستید، مراجعه به مشاور یا روانشناس می‌تواند بسیار مفید باشد. مشاوران می‌توانند به افراد کمک کنند تا با تجربیات خود کنار بیایند و تکنیک‌های مقابله‌ای مؤثر را یاد بگیرند. با رعایت این راهکارها، افراد می‌توانند کیفیت خواب خود را بهبود بخشند و از تأثیرات منفی کمبود خواب بر روی سلامت روانی و جسمی خود جلوگیری کنند.



تأثیرات کمبود خواب

کمبود خواب عمیق و مستمر تأثیرات منفی بر روی عملکرد مغز دارد. این موضوع می‌تواند منجر به:

کاهش توانایی یادآوری و یادگیری:

خواب به فرآیندهای یادگیری و حافظه کمک می‌کند. در طول خواب، مغز اطلاعات را پردازش و ذخیره می‌کند. کمبود خواب می‌تواند باعث کاهش توانایی یادآوری اطلاعات جدید و همچنین مختل شدن یادگیری مهارت‌های جدید شود.

افزایش حساسیت عاطفی:

خواب ناکافی می‌تواند به افزایش احساسات منفی منجر شود. افرادی که خواب کافی ندارند، ممکن است بیشتر تحت تأثیر احساسات منفی قرار گیرند و به راحتی دچار اضطراب یا افسردگی شوند.

اختلال در تنظیم هورمون‌ها:

خواب بر تولید هورمون‌هایی مانند کورتیزول (هورمون استرس) و لپتین (هورمون سیری) تأثیر می‌گذارد. کمبود خواب می‌تواند منجر به افزایش سطح کورتیزول و کاهش سطح لپتین شود، که می‌تواند به افزایش وزن و مشکلات متابولیکی منجر گردد.

افزایش خطر ابتلا به اختلالات روانی:

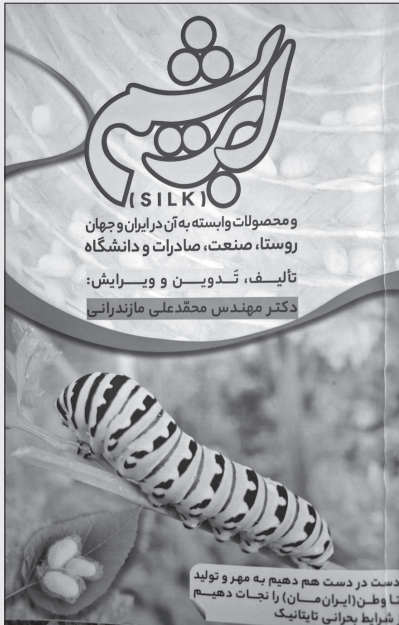
خواب ناکافی مزمن می‌تواند خطر ابتلا به اختلالات

است، می‌توانیم با همدلی و صبر بیشتری به دنبال راهکارهای درمانی باشیم. این درک به ما کمک می‌کند تا با دلیلی بازتر و رویکردی صحیح‌تر، به سمت بازیابی آرامش و کیفیت خواب حرکت کنیم.

علل اختلال خواب در شرایط پس از بحران

کمبود خواب عمیق و مستمر بعد از بحران مانع از بازسازی صحیح ذهن می‌شود. خواب سالم نقش حیاتی در حفظ حافظه، تنظیم احساسات، هورمون‌ها و تعادل روانی دارد. به همین دلیل، بهبود کیفیت خواب بعد از تجربه بحران و جنگ نه تنها به عنوان یک هدف درمانی مطرح می‌شود، بلکه به عنوان یک پیش‌نیاز اساسی برای حفظ سلامت روان و جلوگیری از بروز اختلالات مزمن مانند افسردگی و اضطراب نیز اهمیت دارد. مغز آسیب‌دیده ناشی از بحران بدون خواب کافی نمی‌تواند به ترمیم خود بپردازد. خواب مناسب به مغز این امکان را می‌دهد که خاطرات دردناک را سازماندهی کرده و شدت عاطفی آن‌ها را کاهش دهد، همچنین بدن را از حالت هشدار دائمی خارج کند. بنابراین، توجه به بهبود خواب بعد از بحران نه تنها برای بازسازی ذهنی ضروری است، بلکه پایه‌ای برای سلامت روانی پایدار نیز محسوب می‌شود. در اینجا به تأثیراتی که کمبود خواب بر بدن انسان می‌گذارد و همچنین ارایه راهکاری برای بهبود کیفیت خواب اشاره می‌کنیم.

پس از تجربه بحران و استرس‌های شدید، خواب ما ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد. بی‌خوابی، کابوس‌ها و بیدار شدن‌های مکرر در طول شب، بخشی از واکنش طبیعی مغز به این تجربیات هستند. اگرچه بدن ممکن است از بحران عبور کرده باشد، اما ذهن ممکن است همچنان درگیر احساسات و افکار مضطرب باشد. به گزارش ایرنا زندگی، تجربه بحران‌های شدید مانند جنگ، بلایای طبیعی، مهاجرت یا فقدان عزیزان، اغلب با اختلال در الگوی خواب همراه است. این بی‌خوابی‌ها، کابوس‌ها و بیداری‌های مکرر، نه تنها نشان‌دهنده فشار روانی، بلکه واکنشی طبیعی و قابل درک از سوی سیستم عصبی بدن است. هنگامی که فرد در معرض تهدید یا استرس شدید قرار می‌گیرد، سیستم عصبی وارد حالت آماده‌باش برای بقا می‌شود. این حالت، مغز را هوشیار نگه می‌دارد و مانع از استراحت کافی می‌شود. حتی پس از پایان یافتن بحران فیزیکی، مغز ممکن است همچنان در این وضعیت هشدار باقی بماند و نتواند به حالت عادی بازگردد. این هوشیاری مداوم باعث می‌شود فرد با وجود آرامش محیط اطراف، در ذهن خود همچنان درگیر بحران باشد. حتی در روزگاران آرامش نیز، مدیریت خواب چالش‌هایی را به همراه دارد. اما هنگامی که با شرایط نامساعد، مانند بحران‌های زیست‌محیطی، ناآرامی‌های اجتماعی، یا حتی استرس‌های روزمره روبرو هستیم، خواب می‌تواند به سادگی از دسترس خارج شود. در این شرایط، حفظ آرامش و اجرای راهکارهای مؤثر برای مدیریت خواب، نه تنها به بازیابی انرژی، بلکه به حفظ سلامت روان نیز کمک شایانی می‌کند. خواب تنها یک نیاز فیزیولوژیکی نیست، بلکه نشانه‌ای حیاتی از بازگشت مغز به حالت ایمنی و رهایی از تهدید است. در طول خواب، مغز فرصت می‌یابد تا وضعیت هشدار را کنار گذاشته و به آرامش بازگردد. اما برای افرادی که دوره‌های طولانی استرس و تهدید را تجربه کرده‌اند، این فرآیند به سادگی رخ نمی‌دهد. حتی پس از پایان یافتن بحران، مغز به دلیل عادت به هوشیاری مداوم، همچنان در حالت آماده‌باش باقی می‌ماند. درک این نکته که بی‌خوابی پس از بحران، صرفاً یک بی‌نظمی در خواب نیست، بلکه ریشه‌ای روان‌عصبی دارد و پاسخی طبیعی به تروما است، اولین و مهم‌ترین گام در مسیر بهبود است. با پذیرش این موضوع که این وضعیت، بازتابی از تلاش مغز برای محافظت از خود در شرایط سخت



مورد بحث دارد، که برای یافتن پاسخ سوالی بوسیله یک کاربر ساده نوغاندار روستایی بدون مشکلات نمی باشد. در پایان به جناب دکتر مازندرانی دست مریزاد می گوئیم. و توفیق بیشتر را برای ایشان آرزو می کنیم.

دبیر بازنشسته

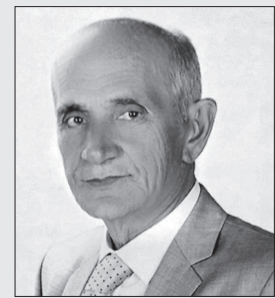
ابعاد ۲۰×۳۰ سانت است. مطالب کتاب بیش از هشتاد در صد ارزش تدریس دانشگاهی در رشته خودش را دارد و می توان گفت، در امور نوغانداری کتاب مرجع میباشد. زبان و بیان کتاب بسیار ساده و همه کس فهم است. مولف کوشیده از واژگان ثقیل و دور فهم بپرهیزد، تا کاربرش فراگیر باشد. این کتاب ، هم به شیوه و روشهای رایج نوغانداری سنتی بها داده و به تفصیل شرح و بیان پرداخته است و هم به امور و روشهای نوغانداری نیمه مدرن و مدرن پرداخته است. بنا به تاکید مولف امر و شغل نوغانداری، هیچ گونه وابستگی خارجی ندارد. و عموما خانمهای خانه دار روستایی بیشتر علاقه مندی برای نوغانداری نشان می دهند. کتاب ابریشم کوشیده است، به تمام صنایع جنبی که به نخ ابریشم وابسته است، شرح و تفصیل جامع و کاملی را بیان دارد. در امر تولید، فرش ابریشم، فرش یک رویه ابریشمی و فرش دورویه ابریشمی، تابلو فرش و صنایع کاربردی پزشکی، در امر تولید انواع پارچه ابریشمی و صنایع دیگر... بنا به داده های آماری: سهم ایران یک در صد تولید نوغانداری ونخ ابریشم جهانی را شامل میشود. و از این یک درصد، نود ونه درصدش به تولید فرش ابریشم اختصاص دارد و یک در صدش دیگرش کاربرد صنایع دیگر دارد. تولید فرش ابریشم ایران، در مقام نخست فرش جهانی است. کتاب ابریشم حدود دویست و هفتاد عنوان

انجمن خیرین روستای محمد آباد که در امر یاری رسانی به نیازمندان، یک مجموعه مردم نهاد می باشد، از حدود سه سال قبل، جهت اشتغال زایی برای اشخاص تحت پوشش خود که حدود چهل خانوار می باشند، به اشتغال زایی در امر نوغانداری همت گماشت. قابل ذکر است، مردم این روستا در سالهای پیش از انقلاب به کار نوغانداری مشغول بودند و احیای مجدد این صنعت را در اندیشه می پروریدند. با توجه باینکه نسل های گذشته تماما به رحمت ایزدی پیوسته اند. شرایط می طلبید، منبع و ماخذی علمی روشمند در امر نوغانداری تهیه گردد، تا الگوی کار نوغانداری باشد. لذا دست به دامن جناب دکتر محمد علی مازندرانی شدیم تا چنین کتاب ماخذی بنویسد. ایشان که تحصیل کرده آمریکاست و آشنا به زبان انگلیسی و نیز تاکنون چند کتاب در زمینه رنگ و رزین را نگاشته و تألیف کرده است. با علاقه مندی پذیرفت، دوسال عمر نازنینش را صرف مطالعه و تحقیق و عموما از منابع زبان خارجی نمود و کتاب ابریشم را بپایان برد و با هزینه شخصیش به تألیف رسانید. در فرصتی که پیش آمد. در سالن انجمن خیرین محمد آباد، در حضور و دعوت اهالی محل و بسیاری از شخصیت های اداری استان گلستان رونمایی و معرفی شد. کتاب ابریشم دویست و پنجاه صفحه متن نوشتاری تحقیقی و عکس در امور نوغانداری را شامل می شود که از جهت



معرفی کتاب ابریشم

تألیف دکتر محمد علی مازندرانی



امیر سعادت

افتتاح چهار روستا بازار برای عرضه محصولات کشاورزی

در توسعه اقتصادی استان است. جامی با اشاره به نقش بازارهای روستا در تحول عرضه محصولات کشاورزی، اظهار کرد: این بازارها با حذف واسطه ها، امکان عرضه مستقیم محصولات کشاورزی را با قیمتی مناسب به دست مصرف کنندگان فراهم می کنند. وی افزود: علاوه بر چهار بازار روستای جدید در گرگان (قرق)، آق قلا (کرد شفتالو)، کلاله (قپان) و ترکمن (پنج پیکر)، تاکنون ۱۱ بازار روستا در گلستان راه اندازی شده و برنامه ریزی برای ایجاد بازارهای بیشتر تا پایان سال ادامه دارد. مدیر تعاون روستایی گلستان همچنین از طرح توسعه بازارهای روستا در ۳۴ نقطه شهری استان خبر داد و گفت: این طرح با همکاری دستگاه های مرتبط و با هدف عرضه مستقیم محصولات کشاورزی با قیمت مناسب به مصرف کنندگان اجرا خواهد شد. همزمان با این مراسم، بازار روستای قرق در شهرستان جهاد کشاورزی گلستان، و جمعی از مسئولان اقتصادی استان افتتاح شد. این بازارها گامی مؤثر در راستای حمایت از کشاورزان و مصرف کنندگان و تقویت اقتصاد کشاورزی گلستان به شمار می روند.



تعاونی ها، افزود: رفع موانع، تأمین منابع مالی و تسهیل ارائه تسهیلات بانکی از نیازهای ضروری برای بهره برداری حداکثری از ظرفیت این شکل ها

تأمین کالاهای اساسی و توسعه صنایع تبدیلی برای فراوری محصولات کشاورزی دارند. وی با درخواست از وزیر جهاد کشاورزی برای حمایت ویژه از این

غزاله صیدانلو- چهار روستا بازار در گرگان، آق قلا کلاله و بندر ترکمن به صورت ویدئو کنفرانس و با دستور وزیر جهاد کشاورزی به بهره برداری رسید. این بازارها بخشی از طرح ملی راه اندازی ۶۴ بازار روستا در سراسر کشور هستند که با هدف حذف واسطه ها و عرضه مستقیم محصولات کشاورزی از مزرعه به سفره طراحی شده اند. وزیر جهاد کشاورزی در این مراسم بر لزوم به روز رسانی و تقویت سرمایه گذاری در تشکلهای کشاورزی تأکید کرد و گفت: برای ارتقای کارآمدی این تشکلهای، باید شیوه نامه هایی تدوین شود که بهره گیری از ظرفیت های آنها را تسهیل کند. غلامرضا نوری قزلبچه افزود: حمایت از تولید و تولید کنندگان اولویت اصلی وزارتخانه در سال جاری است و تشکلهای کشاورزی نقش کلیدی در تحقق این هدف دارند. مدیر تعاون روستایی گلستان، در این مراسم گزارشی از وضعیت تعاونی های کشاورزی استان ارائه کرد و گفت: در ۱۴ شهرستان گلستان که اقتصاد آنها بر پایه کشاورزی استوار است، بیش از ۱۳۰ هزار بهره بردار در تعاونی های کشاورزی فعالیت می کنند. محمد رضا جامی بیان کرد: این تعاونی ها ظرفیت بالایی در

معنی، باید تعادل میان تسریع در صدور مجوزها و رعایت اصول فنی و قانونی برقرار شود. علیرضا نورانی اظهار کرد: نظارت دقیق، برنامه ریزی مبتنی بر داده و تقویت سازوکارهای نظارتی، از ارکان توسعه پایدار این بخش است. وی با اشاره به جایگاه معادن در برنامه های توسعه ای استان افزود: معادن گلستان نیازمند نگاه راهبردی و بلندمدت هستند. فرآیندهای ارزیابی، صدور مجوز و نظارت باید با دقت و بر پایه تحلیل های فنی و اقتصادی انجام شود تا از بهره برداری غیرکارشناسی جلوگیری گردد. وی همچنین آمادگی سازمان مدیریت و برنامه ریزی را برای حمایت از سرمایه گذاری مسئولانه در بخش معدن اعلام کرد و گفت: در قالب نظام بودجه ریزی و آمایش سرزمین، آماده تقویت سیاست گذاری و حمایت از این بخش هستیم تا مسیر توسعه پایدار هموار شود. تعیین تکلیف بهره برداران غیرفعال، ابطال پروانه های غیرفعال، تأکید بر سرمایه گذاری مسئولانه، تقویت نظارت از تصمیمات این جلسه بود. استان گلستان به دلیل برخورداری از ذخایر غنی ید، نقش کلیدی در تأمین این ماده ارزشمند برای مصارف کشاورزی، صنعتی و دارویی ایفا می کند.

استاندار گلستان گفت: بیش از ۱۶ بهره بردار ید در استان دارای پروانه بهره برداری هستند، اما برخی به دلیل عدم تکمیل استعلامات یا فعالیت نکردن، نتوانسته اند اکتشاف یا بهره برداری را آغاز کنند که در صورت عدم اهلیت یا فعالیت، با ابطال پروانه های مربوطه، فرصت برای سرمایه گذاران جدید فراهم می شود. به گزارش روابط عمومی، علی اصغر طهماسبی در جلسه شورای معادن گلستان با اشاره به ظرفیت های معنی استان به ویژه در حوزه ید، اظهار کرد: استان گلستان با تولید سالانه ۵۵۰ تا ۶۰۰ تن ید، یکی از قطب های اصلی تولید این ماده استراتژیک در کشور است که در بخش های کشاورزی، صنعتی و دارویی کاربرد گسترده ای دارد. وی بر لزوم ارزیابی دقیق اهلیت سرمایه گذاران تأکید کرد و گفت: باید اطمینان حاصل کنیم که درخواست های صدور مجوز فقط برای بهره برداری واقعی و مسئولانه باشد، نه گرفتن مجوز بدون فعالیت عملیاتی. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان هم در این نشست با تأکید بر نقش معادن به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی، اظهار کرد: برای بهره برداری بهینه از ظرفیت های

پروانه های بهره برداری معادن غیرفعال باطل می شود

داستان کوتاه

ستاره



مریم برجسته ملکی، گرگان

آیا تا به حال با خودتان در درون تان سخن گفته‌اید. آیا در دنیای خیالی خود، دوستانی ساخته‌اید که در دل و ذهنتان باقی بمانند و با آنها حرف بزنید؟

به عنوان کسی که ذهنی وسواسی و شلوغ دارم، زندگی برابم نه تنها دشوار، بلکه گاهی طاقت فرسا و هولناک می‌شود. در دنیای واقعی آدمها را به ۸ دسته‌ی متفاوت تقسیم می‌کنم، آدمهایی که گاهی مرا ناراحت کرده و قلبم را می‌شکنند. اما در دنیای خیالی هیچ چیز نمی‌تواند به من آسیب بزند یا مرا نا امید کند....

به این جای نوشته‌هایم که می‌رسم، ناگهان یک رقیب وارد دنیای خیالی‌ام می‌شود. یکی که وسط حرف‌هایم پریده و دسته‌بندی من از آدمها را به چالش می‌کشد. مثل رمان « بر باد می‌رود» از یک نویسنده‌ی سیاه‌پوست در مقابل رمان معروف « بر باد رفته». کسی که در مرز نوشته‌های من می‌نویسد.... در دنیای خیالی خود هیچ چیز نمی‌تواند مرا ناامید کند، بلکه برعکس، حسّی نبض دار، نشئه‌آور، گاهی فانتزی و حتی ترسناک سراغم می‌آید، حسّی پر از آتش زیر خاکستر.... خودکار را مثل سیگار لای انگشتانم می‌گیرم و مغزم حرارتی که از وجود به درون خودکار مکیده می‌شود را احساس می‌کند. گاهی زمان آنقدر کم‌رنگ می‌شود که صدای نفس‌هایم شنیده نمی‌شود. فقط سطرها آبی می‌شوند. راستی یادم رفت بگویم، من فنجانی داشتم ملل ماگ(فانتزی متوسط) که برابم خاص بود. هر گاه غرق نوشتن می‌شدم، درونش چای ریخته و داغ، داغ می‌نوشتیدم. اما یک روز موقع شستن ظرفها، از دستم افتاد کف آشپزخانه و خُرد شد. اولش زیاد برابم مهم نبود. گفتم بلا و قضا بود و رفع شد. اما آخر شب موقع همان تنهایی معروف، وقتی

هجوم خودکار، توی رگهای سرم پورنگ می‌شد، طبق عادت رفتم برای خودم چای بریزم، اما فنجانم شکسته بود، چند جور لیوان و استکان، از کمر باریک گرفته تا ترک دسته دار، حتی پافیلی‌ها را هم امتحان کردم ولی فایده ای نداشت. فقط فنجان خودم را می‌خواستم. فردا صبح رفتم بازارچه خیام، پشت تمام ویتترین‌ها را نگاه کردم. داخل مغازه‌ها رفته، روی طبقات چشمم دنبال مدلهای ماگ می‌چرخید، ولی از آن ملل خبری نبود. انتهای کوچه‌ی نانواپی، دو تا مغازه‌ی کریستال‌فروشی بود، داخل رفتم و لایه‌لای تمام فنجانها را با دقت گشتم، بعد آدمم بیرون. به سمت آخرین کوچه از راستی بلورفروشی‌ها که کمی پرت بود پیچیدم، دلم بد جوری برای فنجانم تنگ شده بود، جوری که آنهمه لیوان و استکان چینی اصلا به چشمم نمی‌آمد. آخر روی دسته‌ی باریکش، دو تا ستاره‌ی طلایی نگین دار داشت که گاهی روی ستاره هایش خیره شده و درون موجهای آن، غرق دنیای عجیبی می‌شدم. گاهی مثل آلیس در سرزمین عجایب، میان نقطه‌هایش گم می‌شدم.

نمی‌دانم اگر به طور اتفاقی درون مغازه‌ای قدیمی، آن را پیدا نمی‌کردم، چه اتفاقی می‌افتاد. فروشنده ۲ تا داشت، هر دو را برداشتم، اما هنوز چند قدمی از مغازه دور نشده بودم که احساس کردم دارم کشیده می‌شوم. به پشت سرم نگاه کردم، دو نفر با موتور خاموش، توی شیب کوچه، تلاش می‌کردند کیفم را از روی دوشم

بردارند. یکی از آنها که پشت فرمان بود داد زد: « زود باش مرتضی» و وقتی با مقاومت من رو به رو شدند، موتور را روشن کرده و من روی سنگفرش کوچه کشیده شدم. نایلون فنجانها از دستم پرت شد و پایم روی تیزی سنگها کشیده شد. درد شدید روی ساق پایم احساس کردم. داد زدم ولی انگار کسی در آن لحظه آنجا نبود و در حالی که کیفم را می‌دیدم که از من دور و دورتر می‌شد، صدای شکستن فنجانها هم دردم را بیشتر می‌کرد. حالا یک هفته از این ماجرا می‌گذرد. احساس می‌کنم، چقدر خوش شانس بودم که یکی از فنجانها سالم ماندند. شب از نیمه گذشته، از کلاتری پیامک جدید دارم. ظاهراً دزد کیف و مدارکم پیدا شده و من در حالی که فنجان سبز را بین دستانت گرفته‌ام، چای دارچینی‌ام را نوشیده و در خلوت خودم، هیچ چیز نمی‌تواند به من آسیب بزند.....

به اینجای نوشته‌هایش که می‌رسم، مادرم صدا می‌زند: - «ستاره!»
- « به مامان»
- «چایی دم کردم، یه لیوان بریز با توت خشک برام بیار»
- «باشه مامان، توتها کجان؟»
- «توی شیشه، بغل چای‌ساز»
او داستانش را با چند ستاره تمام می‌کند ولی ذهن من، شلوغ و شلوغ‌تر می‌شود.

هراس دارم از آن دم که شب قطار شود
مسافری به جنون سکون دچار شود
هراس دارم از آن لحظه‌ای که تشویشت
درون آینه‌ی چشمت آشکار شود
به مرگ خیره نشو تهمت، به حوصله باش
هنوز مانده که تهمینه داغدار شود
در انعکاس سکوتت هراس دارم از آن
که آشنایه‌ی رویایمان مزار شود
تنور خشم تو، پُر نور و هیمة باد و مباد
که در گلوئی تو فریادها مهار شود
هزار منظره در سحر واژه پنهان کن
بخوان که در «اتو» جنونم ادامه دار شود.



آن پنجره را رو به دلم باز نگاه دار



مهدی رحیمی، گرگان

غم می‌چکد از عقربه‌ی ساعت دیوار
سخت است برایش گذر از لحظه دیدار
انگار زمان، بعد تو خطی ست مدور
در پیچش مو و خم آبروت گرفتار
هر ذره که از مرز نگاه تو گذر کرد
در دایره‌ی عشق تو افتاد به اجبار
با قاعده‌ی جذب زمین، سیب نیفتاد
با جاذبه‌ی چشم تو اثبات شد این کار
ای کاش بمانی که در این سینه نماند
آثار نبوت که شده در دلم آوار
این فاصله‌ی خواستن و داشتنت را
هرکار که کردم نشده قابل انکار
هرچند شکستی دل چون آینه‌ام را
هر تکه به تصویر تو مانده‌ست وفادار!
جانا بُکشم! یا که بکش تنگ در آغوش
دست از سر این قَلَب پر از واهمه بردار!
تو نوری و در خانه‌ی خورشید نشستی
آن پنجره را رو به دلم باز نگاه دار

هنوز مانده که تهمینه داغدار شود



سوده ممشلی، گنبد کاووس

در اشکالی که از صورتی به قهوه‌ای متمایل

تزویر و طغیان و سرکوب و تهدید
و تبعید و غصب و فساد و نفاق و
ریاکاری و آتش‌افروزی و قلدری و هیاهو
و گردن‌کلفتی و بی‌شرمی و قتل و
نابودی و پیاوه‌گویی و انکار و کتمان و
جنگ روانی و آدم‌ربایی و کودک‌کشی و
بلای جهانی!
قضیه همین است
قضیه همین است
تقاص تو ای سرو در خون طپیده
تقاص تو ای ملت زخم‌دیده
تقاص تو ای اشک و خون و حماسه
تقاص تو ای ناله‌ی استغاثه
تقاص تو ای مانده تنها و بی‌کس
تقاص تو ای سرزمین مقدّس
تقاص تو خشکاندن ریشه‌ی شیطنت‌ها
تقاص تو پایان دوران وحشی‌صفت‌ها
تقاص تو آزادی مملکت‌ها
قضیه همین است
قضیه همین است
قضیه همین ماندن و ایستادن
در اوج زمستان، گل تازه دادن
قضیه همین بی‌تفاوت نبودن
همین مُشت‌ها، مُشت‌های تو و من
قضیه همین خستگی‌ناپذیری
دلبری دلبری دلبری دلبری
قضیه همین است، عشق و توسّل
قضیه همین است، صبر و توکل
همین شانه در شانه، بازو به بازو
همین رُئنا الله ثمّ استقاموا
فداکاری و اتّحاد و شهادت
قضیه همین است، این استقامت
همین استقامت
همین استقامت
همین استقامت
همین استقامت....

جنگ باطل و حقّ

مشت گره کرده! بی‌اثر نشینی
نعره‌ی کوبنده! پشت در نشینی
قاری قرآن! بلند آیه بخوانی
ناله‌ی مظلوم! خون‌جگر نشینی
حضرت علامه! بی‌خیال نباشی
حوزه‌ی علمیه! بی‌نظر نشینی
امت اسلام! در سکوت نیفتی
ملت ایثار! بی‌ثمر نشینی
هم‌وطن! این جنگ، جنگ باطل و حقّ
است
چشم نبندی و بی‌خبر نشینی
نصّر من الله های تازه‌تری را
عشق رقم می‌زند، اگر نشینی..

قضیه همین است

کسی خواب فرعونیان را برآشفته کرده
کسی برج و باروی نمرودیان را به آتش
کشیده
کسی پشت ضحاک را سخت مالیده
بر خاک
کسی قصر شدّاد را داده بر باد
کسی ریخته آبروی تماشاجیان را
قضیه همین است
قضیه همین است
اگر ضحیه‌ی مادران را شنیدی و چیزی
نگفتی
اگر کودکان و زنان را در آغوش هم زیر
آوار دیدی و چیزی نگفتی
اگر التماس و تمنّای گنجشک‌ها در شب
زوزه‌ی گرگ‌ها را شنیدی و از خواب
خروگوشی خود پربدی و چیزی نگفتی
از آزادی و عشق و آبادی و دین و
انسانیت دم زن
چون که دیگر حنای تو رنگی ندارد
قضیه همین است
قضیه همین است

جهان مات این صبر و این بردباری
جهان تشنه‌ی راز این پایداری
جهان خشمگین از قوانین جنگل
سیاستمداران خونخوار انگل
جهان خسته از آن هیولای ملعون
همان دست تا مرقع آلوده در خون
قضیه همین است
قضیه همین است
ستم چیست؟
ظلم و فریب و دروغ و زر و زور و



مهدی جهاندار

مهدی جهاندار، متولد سال ۱۳۵۸ در اصفهان و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است. فروتن، صمیمی، باسواد و معتقد است. هم شعرهای خواندنی دارد و هم شعرهای مناسبتی و شنبینی؛ از آنها که مناسب خواندن حماسی در همایش‌هاست. جهاندار را بیشتر به‌عنوان یک شاعر آیینی و سیاسی می‌شناسند که برخی اشعار او بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از او دو مجموعه شعر به نام‌های «عشق سوزان است» و «مرتله» به چاپ رسیده است. در سه، چهار سال اخیر، سه چهار باری در گرگان و کردکوی میهمان شاعران گلستان بوده است. سه شعر تازه از او را می‌خوانید:

ای ایوان

وقت آن آمد که از امید، از ایمان بخوانم
حجّتی دارم که پاکویان و دست‌افشان بخوانم
نام فردوسی شنیدم، بوی نقالی می‌آید
فال‌ی از حافظ گرفتم، بی‌بیتی از عُمّان بخوانم
از فریدون، از سیاوش، از کمانداران آرش
از درفش کاویان، از رستم دستان بخوانم
از امیران، از کبیران، میرزا کوچک‌ضمیران
از دلیران، از دلیری‌های تنگستان بخوانم
خسته هرگز نیستم ای خنده‌ات آرام دل‌ها
می‌شود من هم برایت شعر «ای ایران» بخوانم؟



آسا قربانی، گرگان

حشش کردم
تنهایی بود که بذرش را در رحمم کاشته بود
و حالا چیزی
نه فقط در من
که در ران‌های کله قندلی‌ام
در ران‌هایی که تلوزیون می‌گفت
تو حامل سلولیت‌هایی هستی که هرگز
تو را ترک نخواهند کرد
تنها نمانده بودم / نه!
و بعد جاهای بیشتری از من را
به سرزمین‌های جنگ زده اضافه کرده بود و
لبخند نمی‌توانست
از بغل تنهایی بلند شود و در آینه یکی از
مانیکرها را انتخاب کند
رنگی برای بوسه‌ی عصرگاهی
رنگی برای بوسه‌ی صبح‌گاهی
رنگی برای بوسه‌ای که در فضاپیما
شخصی به زمین برنمی‌گردد!
نه! تنها نمانده بودم
در اشکالی که از صورتی به قهوه‌ای متمایل

داستانک آیات

حساب و کتاب



محمدحسین مردانی

پیرزن، حواس پرتی داشت. هر روز، دم، دم‌های ظهر، توی مغازه آفتابی می‌شد. پشت پیشخوان می‌ایستاد، گره روسری‌اش را باز می‌کرد و یک سکه پنج تومانی بیرون می‌کشید.

«یه کیلو تخم مرغ بده!»

«یه سطل ماست و یه قالب پنیر بده!» و...

در روزگار جوانی‌اش سیر می‌کرد، قیمت‌های جدید دستش نبود. پنج تومانی را می‌گرفتم و بی آنکه چیزی به رویش بیاورم، خرده فرمایش‌هایش را روی چشم می‌گذاشتم. بله‌ی‌ها را گوشه دفتر یادداشت می‌کردم، به خیال آنکه روزی سر و کله‌ی کس و کارش پیدا شود و با آنها تسویه

حساب کنم. صورت حساب پیرزن ولی هر روز بالاتر می‌زد، شده بود ۹۷۲ هزار و ۵۰ تومان. پیش از ظهر یکی از روزها، به روال همیشه پاشنه‌ی در مغازه ایستاد، گره روسری‌اش را باز کرد و به جای پنج تومان همیشگی، انگشتر طلای کوچکی بیرون کشید. انگشتر را گرفتم و خوب برانداز کردم. قدیمی بود اما زیبا و خوش نقش و نگار. نظربازی ام که تمام شد، انگشتر را دوباره کف دستش گذاشتم.

«مراقب باش، گمش نکنی مادرجون!»

انگشترش را نشناخت. با تعجب به آن چشم دوخت، دستم را پس زد و بی محابا فریاد کشید: «این دیگه چیه مرد حسابی؟! من صدفه قبول نمی‌کنم!» و با غیظ، از مغازه بیرون رفت. تازیک و روشن غروب، یکباره صدای آمبولانس بلند شد. هراسان از مغازه بیرون دویدم. پیرزن، وسط کوچه پس افتاده بود و همسایه‌ها دوره‌اش کرده بودند. بالای سرش ایستادیم، نبضش نمی‌زد. انگار سالها پیش مرده باشد! فردای همان روز، به سرم افتاد، انگشتر را قیمت بگیرم. خودم را رساندم بازار زرگرها و انگشتر را گذاشتم روی پیشخوان اولین مغازه. فروشنده انگشتر را توی ترازو گذاشت، ضرب و تقسیمی کرد و گفت: «می‌شود ۹۷۲ هزار تومان.» یاد ده سکه پنج تومانی افتادم که گوشه‌ی دخل مغازه افتاده بود. روی هم می‌شد ۹۷۲ هزار و ۵۰ تومان.

نهای نو

برادرم که شهید شد، به یادش یک نهای سیب کاشتیم. چند متر دورتر از قبر، گوشه‌ی دنجی از گلستان شهید. به سال نکشیده، نهای قوت گرفت و شاخ و برگ نورواند. همه این سال‌ها، پاتوقمان شده بود، زیر سایه‌ی درخت. دیروز دختر بزرگش، وضع حمل کرد و نخستین نوه‌ی برادرم به دنیا آمد. از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدم. رفتم سر مزار، تا قدم نورسیده‌اش را تریک بگویم. هنوز فاتحه نخوانده، چشمانم محو شاخ و برگ درخت شد. نهای سیب، میوه داده بود.

خط و نشان

برای بچه‌هایش خط و نشان کشیده بود: «هرکی حرف بد بزنه، باید توی دهنش فلفل ریخت!»

سر ناها، تلفن همراهش زنگ خورد. غذا را نیمه کاره گذاشت و گوشی را جواب داد. بدکار، خیال تسویه حساب نداشت. جر و بحثشان بالا گرفت. چاک‌دهانش را گشود و حسابی از خجالت بدکار درآمد! سر سفره که بازگشت، همین که اولین لقمه را جوید، از تندلی‌اش، آتش گرفت. ظرف خالی فلفل، کنار دست بچه‌ها بود.

شده بودند! تلویزیون دوباره می‌گفت: رنگ صورتی ملازم دخترانه‌است و دختر بودن یعنی پروانه‌ای که به تابلو سنجاق شده... تنها نبودم

هم سلولیت‌ها بودن و هم رنگ قهوه‌ای به جای صورتی/حشش می‌کردم، در آهستگی نوازش تنی که در خودش قلعه بود قلعه بود با اینکه می‌توانست مرئی باشد و زنی را دوست بدارد که تلویزیون نمی‌توانست هر بار او را در صف گاو‌ها قرار بدهد و علامت آهنی داغ شده با این مضمون که تو: گاوی!

البته، نه یک گاو معمولی! می‌توانستی هر بار در صف بشوی گاو شماره‌ی ده یا گاو شماره‌ی یک ولی تنهایی این بار بذری کاشته بود که نشان می‌داد این گاو

تن به داغی نمی‌دهد! بلد است خوب ماغ بکشد و به تلویزیون بگوید: گور پدرت!

و دوباره تلویزیون از چیزهای بیشتری گفته بود که می‌بایست

در برفک‌ها آنها را متصور شد!

در برفک یخچال

که به سمت دهان زنی حامله می‌رود و می‌گوید: آیا من برف‌نشسته‌بردم‌اوند نیستم؟ هستم! تنهایی...

چیزی را در رحم کاشته

که نیازی به زاییدن ندارم

کافی است / اسمش را صدا کنم

کافی است / اسم‌ات را صدا کنم

کشتن کابوس‌های شبانه



آناهیتا فرحبخش، گرگان

من چه کاری می‌تونستم بکنم؟ وقتی هیچ راهی واسم نمونه بود رفتی و نمودندی و نمودنت...

همه جونمو به لب رسونده بود

رفتی و با رفتنت تبر زدی تبری به ساقه‌های بودنم حالا من موندم و راه ناتمام برزخ رفتن و نمودنم

قُلْ قُلْ خاطره‌ها تو این روزا چشای خسته‌مو جوشان می‌کنه چشامو می‌بندم و باز تو سرم وزش یاد تو کوران می‌کنه

حالا من موندم و این داغ بزرگ غمی که تموم میراث منه دستای گرم تو روی شونه‌هام تو گوشم می‌گفتی این یاس منه

دیر و زود می‌شه ولی نمی‌سوزه بلیط رفتنمون با این قطار این قطاربه که برگشت نداره همه مون به روز اونو می‌شیم سوار

مقصد و مسیر، چگونه و چراش واسه من فرقی اصن نمی‌کنه چیزی جز شوق رسیدن به تو راهی‌ام به این ترن نمی‌کنه

که به منتهی‌الیه تخت رسانده باشد تنت را و از تنت/خیسی عرق سر بخورد در بیداری هم ترس وجه اشتراک کابوس است با هر چیزی که حال موها را به زمانی بر می‌گرداند که باد آمده

و باران دارد برای باریدن با خودش کلنجار می‌رود

– موهاست که خیس می‌شه موج می‌گیره دریا هم لابد برای همین شب‌ها بیشتر موج دارد

و منطق همین قدر ساده ربط پیدا می‌کند به صندلی رو به رو

به باران به عرق‌هایی که همین‌طور دارند سر می‌خورند خیلی از شب گذشته یک زمانی بین حال نیماده و حالا

تمام صندلی‌های کافه خالی شده و از صدای جیر جیر تخت می‌شود فهمید هنوز صبح با حالت موها خیلی فاصله دارد

قُلْ قُلْ خاطره‌ها



یاسر قربانی، گرگان



قفسی از رگ و خون



علی چراغی، قم

جان من در قفسی از رگ و خون به جنون می‌رسد آخر به جنون سینه چون زخمه بیداد زند تیشه بر پیکر فرهاد زند استخوان میله زندان من است چشم، بیهوده نگهبان من است من کی‌ام؟ جان اسیری در تن کاش می‌شد بپریم من از «من» من کی‌ام؟ عاشق چشمان سیاه قلب محکوم به زندان نگاه من کی‌ام؟ تشنه جام لب تو خال افتاده به دام لب تو شغل من تعزیه موی تو بود تکیه بر خاطره روی تو بود لبم از شوق تو شاعر می‌شد واژه از وصف تو قاصر میشد بند بند تن من عشق تو بود مایه بودن من عشق تو بود از مژه اشک و داغ تو چکید دیده جز حسرت از این باغ نچید خرمین عمر مرا باد ببرد مدعی حاصل فرهاد ببرد خون دل خورده‌ام از جام فراق رنج‌ها برده‌ام از نام فراق بوسه لبریز نفس‌های غم است این جهان پر ز قفس‌های غم است من و تنهایی و عشق و رویا غرقه بحر بلائییم، بلا

گلستان، ستون امنیت غذایی ایران؛

از تولید سنتی به قطب صنعتی - کشاورزی

سالیکورنیا، را از اولویت های جهاد کشاورزی دانست. وی همچنین بر بهره‌وری اراضی دیم، رفع مشکلات بیمه خشکسالی، اجرای کامل کشت قراردادی برای حمایت از بهره‌برداران و تکمیل طرح زهکشی اراضی ساحلی تأکید کرد. ایری معتقد است که این اقدامات می‌توانند به پایداری تولید در شرایط کم‌آبی کمک کنند و اقتصاد کشاورزی منطقه را تقویت کنند. رمضانعلی سنگدوینی، نماینده گرگان و آق‌قلا، مدیریت صحیح الگوی کشت، تأمین نهاده‌های کشاورزی، توزیع عادلانه سوخت بر اساس سطح زیرکشت و تقویت آب‌بندان‌ها برای تأمین آب زمستانه را از مطالبات کلیدی برشمرد. وی با تأکید بر نقش مراکز تحقیقات کشاورزی در معرفی روش‌های نوین کشت و محصولات پربازده، خواستار توجه بیشتر به راهکارهای علمی برای افزایش راندمان تولید شد. سنگدوینی همچنین بر ضرورت تقویت صندوق تعاونی کشاورزی و ارائه تسهیلات بانکی برای حمایت از کشاورزان تأکید کرد.

آمادگی مجمع نمایندگان برای تحول کشاورزی گلستان

عبدالحمید آقاراکالی، دبیر مجمع نمایندگان گلستان، با اعلام آمادگی کامل این مجمع برای حل مشکلات بخش کشاورزی، مدیریت خشکسالی را اولویت اصلی پایداری تولید دانست. وی بر امهال تسهیلات کشاورزان، تمرکز بر توسعه صنایع تبدیلی و افزایش بهره‌وری به عنوان بخش‌هایی از برنامه هفتم توسعه تأکید کرد و افزود: با پیگیری این اولویت‌ها، گلستان می‌تواند نقش خود را در رشد اقتصادی کشور تقویت کند. نشست مجمع نمایندگان گلستان با مسئولان جهاد کشاورزی، بار دیگر اهمیت راهبردی این استان در تأمین امنیت غذایی کشور را برجسته کرد. گلستان، با تکیه بر ظرفیت‌های بی‌نظیر خود، از زمین‌های حاصلخیز و اقلیم متنوع گرفته تا نیروی انسانی متعهد، پتانسیل تبدیل شدن به یک مرکز صنعتی-کشاورزی پایدار را دارد. اصلاح ساختارهای کشاورزی، حمایت همه‌جانبه از کشاورزان، توسعه زیرساخت‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تحقیقاتی، می‌تواند این استان را به الگویی موفق در کشاورزی مدرن تبدیل کند.



و گالیکش، تقویت تعامل بین دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها را برای تحقق اهداف اقتصادی استان ضروری دانست. وی بر استفاده از ظرفیت تعاونی‌های کشاورزی و صندوق توسعه در شهرستان‌های تابعه تأکید کرد و معتقد بود که این نهادها می‌توانند نقش مهمی در رونق اقتصادی منطقه از طریق کشاورزی ایفا کنند. حسینی همچنین خواستار برنامه‌ریزی برای تقویت زنجیره ارزش محصولات کشاورزی و توسعه صنایع تبدیلی شد تا ارزش افزوده بیشتری نصیب کشاورزان شود. رحمت‌الله نوروزی، نماینده علی‌آباد کتول، بر رسیدگی فوری به مطالبات کشاورزان، از جمله تأمین سوخت، تکمیل آب‌بندان‌های نیمه‌تمام و پرداخت به‌موقع مطالبات گندم‌کاران، کلزاکاران و توتون‌کاران تأکید کرد. وی با اشاره به توانمندی علمی بخش کشاورزی گلستان، خواستار بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت مراکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی برای ارتقای بهره‌وری شد. نوروزی معتقد است که با بازنگری دقیق در الگوی کشت و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌توان بسیاری از چالش‌های پیش روی کشاورزی استان را برطرف کرد. عبدالجلال ایری، نماینده کردکوی، ترکمن، بندرگز و گمیشان در مجلس شورای اسلامی، توسعه کشت محصولات کم‌آب‌بر و مقاوم به شوری، نظیر

علاوه بر این، کمبود زیرساخت‌های مناسب، نظیر آب‌بندان‌های نیمه‌تمام و سامانه‌های زهکشی اراضی ساحلی، بهره‌وری کشاورزی را محدود کرده است که این چالش‌ها، همراه با مشکلات توزیع عادلانه نهاده‌ها و سوخت، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی است تا گلستان بتواند از ظرفیت‌های خود به طور کامل بهره‌برداری کند.

اصلاح زیرساخت‌ها و حمایت همه‌جانبه از کشاورزان

نمایندگان مجلس شورای اسلامی گلستان، با درک اهمیت راهبردی این استان در امنیت غذایی کشور، بر ضرورت تقویت زیرساخت‌های کشاورزی، اصلاح الگوی کشت و رفع موانع تولید تأکید کردند. عبدالغفور امان‌زاده، نماینده گرگان و آق‌قلا و عضو کمیسیون کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس، بر لزوم توجه ویژه به زیرساخت‌های کشاورزی تأکید کرد. وی اصلاح الگوی کشت با در نظر گرفتن شرایط بومی هر منطقه و نظارت کارشناسی را گامی اساسی برای افزایش بهره‌وری دانست و خواستار تلاش مضاعف برای رفع موانع تولید، از جمله تأمین به‌موقع نهاده‌ها و تسهیلات بانکی، شد. سیدنجیب حسینی، نماینده مینودشت، کلاله، مراوه‌تپه

جمله تأمین اعتبارات از سازمان مدیریت بحران و افزایش دسترسی بهره‌برداران به تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت است. کشاورزی گلستان، با وجود ظرفیت‌های عظیم، با چالش‌های متعددی مواجه است که به توجه فوری و راهکارهای عملیاتی نیاز دارد که در نشست اخیر مجمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی گلستان با مسئولان سازمان جهاد کشاورزی، این چالش‌ها به طور جامع مورد بررسی قرار گرفت. رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان، در این نشست به مشکلات کلیدی این بخش اشاره کرد و گفت: خسارت‌های ناشی از خشکسالی‌های مکرر، بدهی‌های سنگین بهره‌برداران به دلیل کاهش تولید و مشکلات دریافت تسهیلات بانکی، از جمله موانعی هستند که تولیدکنندگان کشاورزی استان را تحت فشار قرار داده‌اند. ابراهیم هزارجریبی خواستار حمایت گسترده‌تر نمایندگان مجلس برای جذب اعتبارات از سازمان مدیریت بحران و افزایش سهم گلستان از تسهیلات ارزان‌قیمت شد تا بتوان بخشی از این فشارها را کاهش داد. وی بیان کرد: خشکسالی، به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات کشاورزی گلستان، نه تنها تولید محصولات را کاهش داده، بلکه هزینه‌های تولید را افزایش و بدهی‌های کشاورزان را تشدید کرده است. به گفته هزارجریبی

استان گلستان، با اقلیمی متنوع، خاکی حاصلخیز و نیروی انسانی متعهد و پرتلاش، به عنوان یکی از ستون‌های اصلی کشاورزی ایران، نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت غذایی کشور ایفا می‌کند. با این حال، برای تبدیل شدن به یک قطب صنعتی-کشاورزی پایدار که نیازهای داخلی را تأمین کند و به عنوان یک پایگاه صادراتی در منطقه بدرخشد، نیازمند تحولات ساختاری عمیق، حمایت‌های هدفمند و هماهنگی گسترده است. به گزارش ایرنا، گلستان با تولید محصولاتی نظیر گندم، گوشت، مرغ، کلزا، آفتابگردان و تخم‌مرغ، همواره در میان سه استان برتر کشور قرار داشته و با تکیه بر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی خود، بستری بی‌نظیر برای نوآوری، تولید و توسعه اقتصادی فراهم کرده است. استان گلستان با دارا بودن حدود ۶۷۰ هزار هکتار زمین کشاورزی و باغی، یکی از غنی‌ترین مناطق کشاورزی ایران به شمار می‌رود. این استان سالانه، در شرایط عادی و به دور از چالش‌های اقلیمی نظیر خشکسالی، بیش از پنج میلیون تن انواع محصولات کشاورزی، دامی و شیلاتی تولید می‌کند. این حجم تولید، تنها بخشی از توان زیرساختی کشاورزی گلستان را به نمایش می‌گذارد و نشان‌دهنده پتانسیل عظیم این منطقه برای ایفای نقش محوری در توسعه اقتصادی کشور است. از مزایای وسیع گندم و کلزا گرفته تا باغ‌های میوه و تولیدات دامی و شیلاتی، گلستان با تنوع بی‌نظیر محصولات خود، به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مناطق کشاورزی کشور شناخته می‌شود. با این حال، تنها ۳۰ درصد از محصولات خام کشاورزی استان در صنایع محلی فرآوری می‌شود که این رقم در مقایسه با ظرفیت‌های موجود، ناچیز است. برنامه هفتم توسعه با هدف‌گذاری افزایش این میزان به ۵۰ درصد و گسترش سامانه‌های نوین آبیاری از ۷۸ هزار هکتار به ۱۸۰ هزار هکتار، نقشه راهی جاه‌طلبانه برای تحول کشاورزی گلستان ترسیم کرده است. این برنامه نه تنها به دنبال افزایش بهره‌وری منابع آب است، بلکه با تمرکز بر توسعه صنایع تبدیلی، قصد دارد ارزش افزوده محصولات کشاورزی را افزایش دهد و وابستگی به خام‌فروشی را کاهش دهد. تحقق این اهداف، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان، هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و رفع موانع تولید از

زمین، تسریع در صدور مجوزها و تخصیص بودجه‌های لازم، بستر را برای مشارکت خیرین فراهم کند. وی افزود: هر پروژه‌ای که کلید می‌خورد، انگیزه‌ای تازه برای مشارکت مردمی ایجاد خواهد کرد. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان همچنین از شهرداری‌ها و دهیاری‌ها خواست با صدور مجوزهای کم‌هزینه یا رایگان، در این حرکت خیرخواهانه سهیم شوند. حمیدی با انتقاد از پیچ‌وخم‌های اداری، مدیران را به نگاهی جهادی و تفسیر قانون به نفع مردم دعوت کرد تا موانع پیش روی این نهضت برداشته شود. وی از مردم، خیرین و نهادهای محلی دعوت کرد تا با پیوستن به نهضت مدرسه‌سازی، آینده‌ای روشن‌تر برای کودکان گرگان رقم بزنند و گامی بزرگ در مسیر عدالت آموزشی بردارند.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان گفت: گرگان، به‌عنوان قلب استان گلستان، از نظر سرانه آموزشی، فقیرترین شهر این استان و نیازمند اقدام فوری و مؤثر در این حوزه است. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی در جلسه کارگروه مدرسه‌سازی و توسعه عدالت آموزشی گلستان با تأکید بر اینکه نهضت مدرسه‌سازی از اولویت‌های دولت و مورد توجه ویژه رئیس‌جمهور و استاندار گلستان قرار دارد، خاطرنشان کرد: از مجموع ۱۵۶ پروژه مدرسه‌سازی در استان، ۲۶ پروژه به گرگان اختصاص یافته که باید با سرعت و جدیت بیشتری به سرانجام برسد. وی با اشاره به اجماع کم‌نظیر گروه‌های سیاسی، مذهبی و قومی بر اهمیت مدرسه‌سازی، اظهار کرد: دولت وظیفه دارد با تأمین

گرگان در بحران سرانه آموزشی؛

نهضت مدرسه‌سازی، کلید توسعه عدالت آموزشی